

A study of the structure of the story of Abraham and Lot in the Holy Quran and the Old Testament based on Simpson's model

Isa Alizadeh*

S.hasan Ameli, Ali Gafari***, Ramin Moharami******

Abstract

The study of the story of Abraham (AS) is very important due to its common themes in monotheistic religions and also the story of Lot (AS) because of its closeness to him, which has a special coherence in the type of content arrangement. Simpson's model is comprehensive due to its comprehensiveness and proper demarcation. In presenting his six models for examining the narrative in the discussion of characterization, he refers to the actions and events in the narrative. In this regard, he uses the transient structure of Holliday. For the frequencies that occur in the story, it names six material, behavioral, verbal, mental, relational, and existential processes. The present article has studied this issue with a descriptive-analytical method. According to the results, the material process is more frequent due to the narration of the story of the prophets in both books. The verbal process in the Qur'an gives a higher percentage, which is the reason for direct dialogue and quotation in the Qur'an. Other processes also show differences between the specific style of the Qur'an and the historical style of the Torah. In general, the processes of the Torah story

* Instructor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Ardabil Branch, Iran, Isaalizadeh313@gmail.com

** Associate Professor of Quran and Hadith, Theology, Ardabil Branch of Azad University, sydhsnamly@gmail.com

*** Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Visiting Professor, Ardabil Azad University, Faculty Member, Mohaghegh Ardabili University (Corresponding Author), r a_ghafari@uma.ac.ir

**** Associate Professor Persian Language, Literature Faculty of Literature, Humanities University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, moharami@uma.ac.ir

Date received: 01.10.2020, Date of acceptance: 14.12.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

are more detailed and together, so it includes more numbers, but this happens much less in the Qur'an due to the scattering of the story among different chapters, so that it can be said that the purpose of the Torah is storytelling, but the purpose of the Qur'an's stories lies concealed behind other purposes.

Keywords: "Holliday"; "Simpson"; "story"; "characterization"; "process"

بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن کریم و عهد عتیق براساس الگوی سیمپسون

عیسی عزیزاده منامن*

سید حسن عاملی**، علی غفاری***، رامین محرمی****

چکیده

بررسی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام به علت درون‌مایه‌های مشترک در ادیان توحیدی و نیز داستان حضرت لوط علیه السلام به دلیل قرابت با ایشان که پیوستگی خاص در نوع چینش محتوا دیده می‌شود، بسیار مورد توجه می‌باشد، الگوی سیمپسون به علت جامعیت و مرزبندی مناسب دارای جامعیت می‌باشد، وی در ارائه الگوی شش‌گانه خویش برای بررسی روایت در بحث از شخصیت‌پردازی به اعمال و وقایع در روایت اشاره می‌کند، وی در این موضوع از ساختار گذرایی هالیدی استفاده و برای بسامدهای وقوع شده در داستان شش‌فرایند مادی، رفتاری، کلامی، ذهنی، رابطه‌ای و وجودی را نام می‌برد؛ مقاله حاضر به بررسی این موضوع با شیوه توصیفی - تحلیلی پرداخته است، براساس نتایج حاصل شده فرایند مادی به دلیل بیان ذکر سرگذشت انبیاء در هردو کتاب دارای فراوانی بیشتر می‌باشد، فرایند کلامی در قرآن درصد بیشتری را نسان می‌دهد که دلیل بر گفتگویی و نقل قول مستقیم در قرآن می‌باشد، درصد فرایندهای دیگر نیز نشان‌دهنده تفاوت در سبک خاص

* مربی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران،
Isaalizadeh313@gmail.com

** دانشیار علوم قرآن و حدیث، الهیات، دانشگاه آزاد واحد اردبیل،
sydhsnamly@gmail.com

*** استادیار الهیات و معارف اسلامی، استاد مدعو دانشگاه آزاد واحد اردبیل، عضو هیأت علمی دانشگاه محقق
اردبیلی (نویسنده مسئول)، a_ghafari@uma.ac.ir

**** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران،
moharami@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

قرآن و سبک تاریخ‌گونه تورات دارد، در مجموع فرآیندها داستان تورات مفصل‌تر و یکجا می‌باشد به همین دلیل تعداد بیشتری را شامل شده است، ولی این موضوع در قرآن به دلیل پراکندگی داستان در بین سوره‌های مختلف بسیار کمتر است، به نحوی که می‌توان گفت هدف تورات داستان‌گویی ولی هدف قرآن از آوردن آن در پس پرده اهداف دیگر نهفته است.

کلیدواژه‌ها: هالیدی، سیمپسون، داستان، عهد عتیق، قرآن، شخصیت‌پردازی، فرایند.

۱. مقدمه

برای دستیابی به تحلیلی دقیق از آثار ادبی، روشی تلفیقی از روایت‌شناسی و سبک‌شناسی ضرورتی انکارناپذیر است. روشی که از یک‌سو از دستاوردهای علم سبک‌شناسی بهره می‌گیرد و از سوی دیگر از مطالعات گسترده روایت‌شناسی استفاده می‌کند. پل سیمپسون (Paul Simpson) در کتاب سبک‌شناسی (Stylistics) از این روش التقاطی بهره گرفته است. روش کار او بر پایه دستاوردهای علمی، زبان‌شناسی و روایت‌شناسی است. زمینه پژوهش‌های سیمپسون در دو اثر قبلی (Language, Ideology - Language Through Literature and point of view) او زبان‌شناسی، روایت‌شناسی و سبک‌شناسی است، (سیمپسون، ۱۹۹۳) که او از تلفیق مباحث دو اثر قبلی خود این اثر دقیق و علمی را مطرح کرده است. در وی در این اثر برای تحلیل سبک‌شناختی داستان، الگویی را معرفی می‌کند که شش مقوله دارد. سیمپسون در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۵ این الگو را به‌صورت مختصر مطرح کرده بود. (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۲۰)

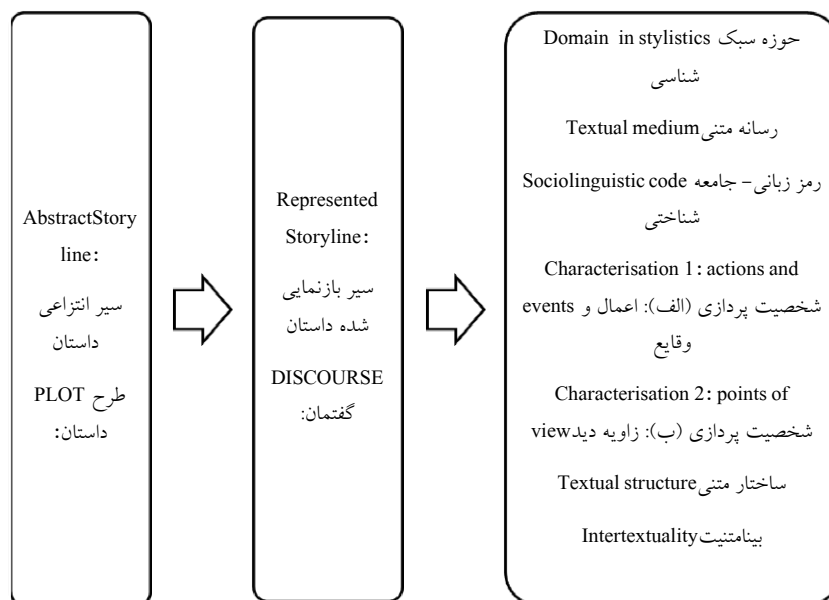
برای روشن‌گری لازم با طرح خاستگاه نظری سیمپسون به چشم‌اندازی روشن از منابع نظری الگوی او اشاره می‌شود:

وی بنای شش مقوله الگوی سبک‌شناختی روایت را بر روی سه‌پایه زبان‌شناسی (Linguistics)، روایت‌شناسی (Narrative Science) و سبک‌شناسی (Stylistics) قرار داده است. سیمپسون از این سه رشته، مقوله‌های مناسب تحلیل داستان را با هم ترکیب کرده و الگویی خود را بنا کرده است و سه مقوله از این الگوی شش‌گانه را با استفاده از زبان‌شناسی نقش‌گرای هالیدی (Halliday) سه نقش اندیشگانی، بینا فردی و متنی طرح کرده است.

با بهره از نقش «اندیشگانی» کنش‌ها و رخداد‌های داستان را با استفاده از نظام گذرایی در مقوله شخصیت‌پردازی تحلیل کرده و با استفاده از نقش «بین فردی» به مقوله «رمزگان

زبان‌شناختی اجتماعی» پرداخته و در آن به بررسی گویش و گونه کاربردی زبان می‌پردازد که مشارکان هر ارتباط کلامی در موقعیت‌های گوناگون از آن به شکل‌های متنوع استفاده می‌کنند. وی با بهره از نقش «متنی» هالیدی مقوله «ساختار متنی» را طرح و در آن شروع و پایان روایت و انسجام و پیوستگی متن را بررسی می‌کند.

سیمپسون مقوله «زاویه دید» را از روایت‌شناسی به‌خصوص نظریه و نگرش خاصی که خودش درباره انواع راوی و «وجهیت» برگرفته است. در مقوله «بینامتنیت» از مباحث دقیق روایت‌شناس فرانسوی ژرار ژنت (Gérard Genette) بهره برده و در مقوله «رسانه متنی» از مبحث تمایز پیرنگ و داستان در علم روایت‌شناسی به‌خصوص از نظریه پراپ (Propp) استفاده نموده و از مباحثی چون زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی درباره ویژگی‌های رسانه دیداری و شنیداری؛ گفتار و نوشتار بهره‌مند شده و در نهایت در شخصیت‌پردازی (زاویه دید) از شیوه‌های «ارائه گفتار و تفکر» سبک‌شناسی لیچ (Leech) و شرت (SHort) استفاده کرده است. برتری الگوی سیمپسون در ترکیب این مقوله‌های بین رشته‌ای و مشخص کردن حد و مرز هر مقوله می‌باشد. چون الگوی او بر پایه‌های علمی بنا شده، شیوه کار، روشمند و نتایج تحلیل حاصل از آن روشن و قابل دفاع می‌باشد. هر چند برخی از مقوله‌ها گاهی با هم هم‌پوشانی دارند؛ اما هر مقوله بعدی از ابعاد داستان را بررسی می‌کند و در مجموع تحلیلی جامع از داستان به دست می‌دهد. الگوی شش‌گانه سیمپسون به شرح ذیل می‌باشد:



شکل ۱: الگوی ساختار روایت سیمپسون (ص ۶، ۲۰)

بخش اول عناصر شخصیت پردازی و توصیف شخصیت یعنی اعمال و وقایع، توصیف‌کننده این مطلب است که چطور تحول و تکامل شخصیت با اعمال و وقایع موجود در داستان، رابطه دوسویه و تنگاتنگی دارد؟ کاربرد انواع فرایندهای معنایی در داستان همانند مادی، ذهنی، رفتاری، کلامی و ... که به راوی یا شخصیت مربوط هستند در این بخش بررسی می‌شوند. همچنین توجیه و تبیین شیوه‌هایی که روایت توسط آنها، با انواع خاصی از فرایندها، شبکه درهم‌تنیده‌ای ایجاد می‌کند، در این بخش، صورت می‌گیرد. (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۲۱)

همبستگی و درهم‌تنیدگی شخصیت و کنش به اندازه‌ای است که به سختی می‌توان کنش و رویداد را از شخصیت تفکیک کرد. (مستور، ۱۳۷۸، ص ۳۳)

نویسنده با استفاده از کلمات، یک شخصیت را می‌سازد. توضیحات متنوع او از یک فرد، همراه با توصیف‌های صریح یا غیرصریح از کنش‌ها و واکنش‌های آن فرد، کافی است تا غالب خوانندگان به تصویری از شخصیت برسند. مقدار زیادی از شخصیت‌پردازی از طریق توصیف و گفتگو و نیز به واسطه کنش تحقق می‌یابد. به طور کلی شخصیت‌پردازی، به سه شیوه در داستان انجام می‌پذیرد:

اول، ارائه صریح شخصیت‌ها با یاری گرفتن از شرح و توضیح مستقیم. به عبارت دیگر، نویسنده، با شرح و تحلیل رفتار و افکار شخصیت‌ها، آدم‌های داستانش را به خواننده معرفی می‌کند.

دوم، ارائه شخصیت‌ها از طریق عمل (کنش) آنها، با کمی شرح و تفسیر یا بدون آن. سوم، ارائه درون شخصیت بدون استفاده از تفسیر (میرصادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵-۱۳۲). البته باید توجه داشت که ممکن است در مواردی، شیوه‌های شخصیت‌پردازی، به صورت‌های مختلف با هم ترکیب شوند (ریمون کنان، ۲۰۰۵، ص ۶۲). شیوه‌های شخصیت‌پردازی فوق، غالباً از طریق کنش، گفتگو، وضعیت ظاهری، توصیف محیط، و صورت می‌گیرد (همان، ص ۶۱-۷۲؛ تولان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵). نویسنده می‌تواند در توصیف یک شخصیت، نام، سن، جنسیت، قد، وزن، نژاد، حالت بدن، صدا، لهجه، لباس، شغل و دیگر ویژگی‌های ظاهری را بیان کند. (آسابرگر، ۱۹۹۷، ص ۵۲-۵۳). برای به تصویر کشیدن شخصیت‌ها، باید به دنبال دستوری باشیم که انطباق بین دستور مذکور و سرشت یا شرایط شخصیت‌ها قابل ملاحظه باشد. تولان، منظور از دستور را به این صورت بیان می‌کند:

من دستور را در معنای نسبتاً گسترده آن به کار نمی‌برم، یعنی دستور در اینجا آن قدرها به معنای توصیف صوری و نحوی نیست، بلکه به معنای توصیف معنا محور و نقش‌گرای زبان مورد نظر است. بنابراین منظور من از دستور، توصیف نظام‌مند اصولی است که بر انتخاب کلمات و زنجیره‌های کلمات درون یک زبان حاکم است و البته این شرط اضافی را نیز باید لحاظ کرد که توصیف داده شده، مجموعه‌ای از معانی را نیز که خوانندگان با آن انتخاب‌ها پیوند می‌دهند، در نظر می‌گیرد. (تولان، ۱۹۹۷، ص ۱۹۵)

حال باید دید که تجربه‌های گوناگون انسانی در نظام زبان چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند؟ و اساساً معیار و مرز تشخیص انواع تجربه در نظام زبان چیست؟ از آنجا که در چارچوب نقش‌گرای، الگوهای تجربه در قالب فرایندها (processes) و از طریق فرانش تجربه، امکان‌پذیر می‌شود، می‌توان با بررسی انواع فرایندها و تعیین بسامد وقوع آنها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. این فرانش، نشانگر و شاخص مهمی برای سبک در گفتمان روایت محسوب می‌شود، چرا که بر مفهوم سبک به عنوان یک انتخاب و گزینش از میان گزینه‌های بالقوه دیگر که در نظام زبان

موجود است، تاکید می‌کند. در واقع انتخاب گزینه در نظام زبان مبتنی بر انگیزه‌هایی است که گوینده یا نویسنده دارد و مجموعه این گزینش‌ها، متونی را خواهد ساخت که بطور متفاوتی، سازماندهی و تفسیر می‌شوند (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۲۲).

نظام گذرایی (transivity system)، مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی و تجربی در زبان است. امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، نظام گذرایی نامیده می‌شود. منظور از گذرایی، در اینجا، مفهومی نیست که در دستورهای سنتی به کار رفته است، بلکه الگوی گذرایی نقشگرا، مدنظر است. در دستورهای سنتی به فعل‌هایی که مفعول می‌پذیرند، فعل گذرا گفته می‌شود. (همان، ص ۲۲ و ص ۸۲). نکته کلیدی این است که گذرایی، گزینش نظام‌مند را به دست می‌دهد، گزینشی که بر اساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان، صورت گرفته است. از این‌رو، الگو و نظام گذرایی به‌عنوان ابزار روش‌شناختی مهم و قابل اعتنا، در بررسی متون و به‌طور خاص در سبک‌شناسی متون، مطرح می‌باشد (همان، ص ۲۶). حال اگر متنی بر اساس نظام گذرایی، تجزیه و تحلیل شود، مولفه‌های معنایی اساسی جمله و به‌دنبال آن مولفه‌های معنایی کل متن شناسایی می‌شود. بنابراین تقطیع و تحلیل متن بر اساس نظام گذرایی در تحلیل روایت نیز جالب خواهد بود، به این دلیل که به صورت نظام‌مندی مشخص می‌شود که در هر متنی، دقیقاً چه نوع فرایندهایی در جریان است (تولان، ۱۹۹۳، ص ۱۹۷).

با استفاده از انتخاب‌های انجام شده از میان مجموعه محدودی از انواع فرایندها و نقش‌های شرکت‌کنندگان که در دستور بند و به‌خصوص در فعل بیان شده‌اند، ما دیدگاه خود را از واقعیت مشخص می‌کنیم (همان، ص ۱۹۶).

عناصر هر فرایند عبارتند از:

۱. فرایند

۲. شرکت‌کنندگان (participants) فرایند

۳. موقعیت‌های (circumstances) شرایط مربوط به فرایند.

فرایند عبارت است از یک رخداد، کنش، احساس، گفتار یا بود و نبود.

مشارکین فرایند، عناصر دست‌انکار فرایند هستند که زمان، مکان، شیوه عمل، اسباب و شرایط فرایند را تعیین می‌کنند. فرایندها، مشارکین و شرایط یا بستر وقوع رخدادها، معمولاً به ترتیب در قالب گروه‌های فعلی، اسمی و قیدی یا حرف اضافه‌ای، در دستور زبان بازنمایی می‌شوند. (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۸۲).

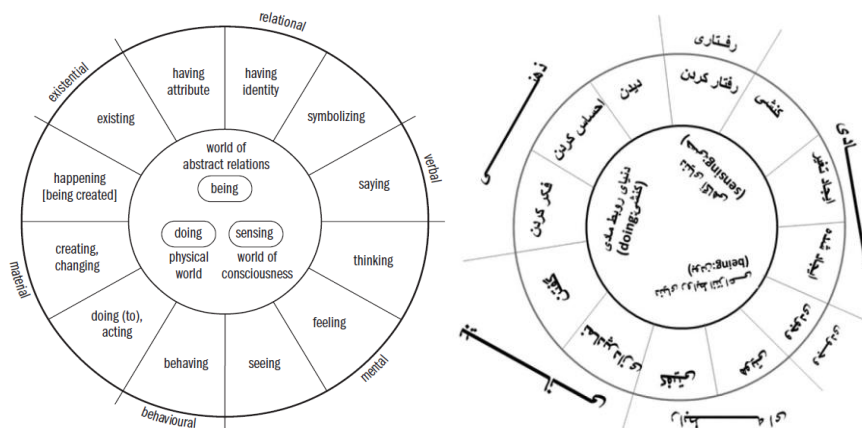
بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن ... (عیسی عزیزاده منامن و دیگران) ۱۱۳

هالیدی (۲۰۰۴، ص ۱۷۱) در درباره انواع فرآیند و شرکت کننده به توضیح شش فرآیند اشاره دارد، که جدول ذیل آن را نشان می دهد:

جدول ۱: انواع فرآیندها

نوع فرآیند	تعریف	مثال (فرآیند + شرکت کنندگان)
مادی	فرآیندهایی که می توانند در جواب [چه اتفاقی افتاد؟] یا [او چه کرد؟] بیایند. نیاز به وسیله دارند.	برادرم [کنشگر] ساعتش [وسیله] را دیشب [زمان - موقعیت] از پدرم [کنشگر] گرفته بود [فرآیند مادی]، به من [دریافت کننده] اهدا کرد. [فرآیند مادی]
رفتاری	مربوط به فعالیت های انسانی خودجوش یا کنترل نشده ای که می توانند درونی یا بیرونی باشند.	با دیدن معلم [عناصر پیرامونی] همه بچه ها [رفتارگرها] خندیدند. [فرآیند رفتاری]
ذهنی	دربارنده افعال احساسی، واکنش های ذهنی، افعال حسی و شناخت هستند.	یهودیان [حسگر] به الهی بودن تورات [پدیده] ایمان دارند. [فرآیند ذهنی]
کلامی	فرآیندهای گفتن یا صحبت کردن در معنای کلی آن.	علی [گوینده] به دوستش [مخاطب - گیرنده] دوست دارم [گفته] گفت [فرآیند کلامی]
رابطه ای	مربوط به توصیف و شناسایی هستند.	شناسایی تهران [شناخته] بزرگترین شهر ایران [شناسا] است. [فرآیند رابطه ای]
		اسنادی علی [حامل] مکانیک [مسند] است. [فرآیند رابطه ای]
وجودی	از وجود وضعیتی یا رخداد چیزی خبر می دهند.	داستان حضرت لوط <small>عليه السلام</small> [عناصر پیرامونی] در قرآن و تورات [موجود] وجود دارد. [فرآیند وجودی]

هالیدی (همان، ص ۱۷۲) در نهایت شکل ذیل را به عنوان «دستور زبان، انواع فرآیند به زبان انگلیسی» ارائه می دهد:



شکل ۲: نظام گذرایی هالیدی

تولان (۱۹۹۳، ص ۱۹۸) درباره انواع فرآیند و شرکت‌کننده به توضیح پنج فرآیند اشاره

دارد:

ا. فرآیندهای مادی (فرآیندهای مربوط به کنش‌های محسوس)

ب. فرآیندهای ذهنی (فرآیندهای مربوط به حس کردن)

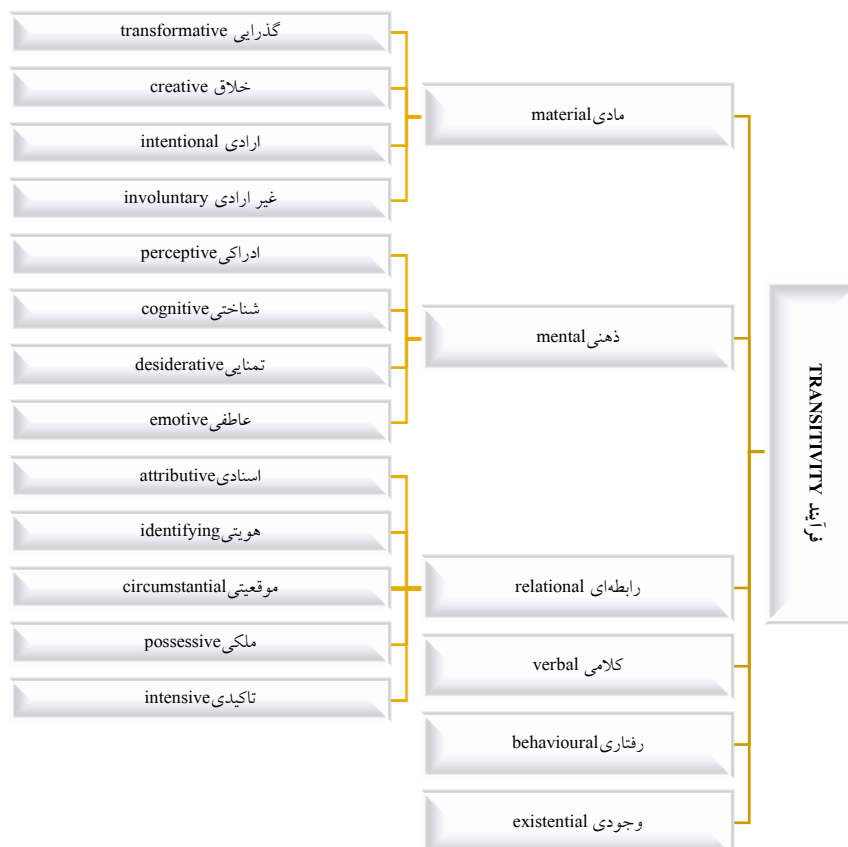
ج. فرآیندهای کلامی

د. فرآیندهای رفتاری

ه. فرآیندهای رابطه‌ای (فرآیندهای مربوط به بودن)

تامپسون (۲۰۱۴، ص ۱۱۴) جدول هالیدی را با جزئیات بیشتر به شکل ذیل ارائه

می‌دهد:



نمودار ۱: انواع فرایندها

در این پژوهش با روش درون‌متنی، آیات و بخش‌هایی که به بیان داستان حضرت ابراهیم و لوط عليه السلام در قرآن و عهد عتیق اشاره کرده‌اند تجزیه و تحلیل شدند. بندهای موجود در آیات و قسمت‌های مختلف براساس فراتقش بازنمودی که بخشی از پیکره‌ی اصلی نظر هلیدی است که توسط سیمپسون ارائه؛ تحلیل شده است، برای اینکار بندهای هر بخش مشخص و براساس نظریه وی تحلیل و انواع فرایندهای موجود و شرکت‌های موجود استخراج و در انتها بسامد و درصد کلی انواع فرایندها مشخص شده است.

در ادامه با استفاده از شاخص‌های بدست آمده به نتیجه‌گیری کلی در داستان در دو کتاب مقدس اشاره و اشتراکات و تفاوت‌های آن آشکار شده است.

۲. داستان در قرآن و عهد عتیق

شخصیت محوری حضرت ابراهیم علیه السلام در ادیان ابراهیمی باعث نگرش خاص به ایشان در این ادیان شده است، در سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت نهادینه شدن یکتاپرستی به وی بازگردانده و سرآغاز آموزه‌های این ادیان آموزه‌های ایشان می‌باشد، افزون که نیای سه پیامبر بزرگ این ادیان ایشان می‌باشند. با این همه تفاوت‌ها و اشتراکات در ارائه تصویر از وی در همه ادیان مشاهده می‌شود، کتب مقدس هر یک به نحوی مقدار قابل توجه از حجم بحث خویش را به ایشان اختصاص داده‌اند، از دیگر سوی چه در عهد عتیق و چه در قرآن داستان حضرت لوط علیه السلام به عنوان پسر عموی ابراهیم علیه السلام با داستان آن حضرت تنیده و بهم پیوستگی دارد، (ابن کثیر، ۲۰۰۳؛ راوندی، ۱۴۳۰) از این رو برای آشنایی با نحوه بیان در ابتدا به ذکر داستان در دو کتاب اشاره می‌گردد.

داستان در سوره‌های مختلف قرآن دارای اهداف معین می‌باشد که خط سیر همگی آنها به سوی مقصد و هدف واحدی که پدیدآورنده دنبال آن می‌باشد، به صورت کلی می‌توان گفت قرآن کتاب هدایتی است که راه سعادت را نشان می‌دهد، (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۷) و چون قرآن کتاب تاریخ نیست به جزئیات اشاره ندارد (ابن عاشور، ج ۱، ص ۶۳) اما در هر بحث تناسب و رابطه‌ای مستقیم با دیگر سوره‌ها پیدا می‌کند، می‌توان بیان داشت داستان‌های قرآن یک فرآیندی بهم پیوسته می‌باشند که یک برآیند را تشکیل می‌دهند، این فرآیند در داستان قرآنی در هر سیر آیه متفاوت، و برآیند آن توحید و هدایت را در نظر دارد؛ جدول ذیل این موضوع را بهتر نشان می‌دهد:

جدول ۲: داستان در قرآن

داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>			
نام سوره و شماره آیات	موضوع	سیر کلی داستان	ایدئولوژی حاکم بر آیات
سوره بقره، آیه ۱۲۴-۱۳۱	بنای کعبه - تسلیم در برابر خداوند	توحید	در همه آیات رسیدن به
سوره بقره، آیه ۲۵۸-۲۶۰	زنده کرده مردگان	معاد	توحید و سعادت که از این طریق نصیب وی می‌شود
سوره آل عمران، آیه ۹۵-	بنای کعبه - اسلام حضرت	توحید	

بیان شده است، با این حال همه آیات بر ایدئولوژی هدایت انسان استوار می‌باشند. در یک جمله می‌توان گفت: «هدایت انسان هدف و مسیر نهایی می‌باشد.»			۹۷
	توحید	اسلام حضرت ابراهیم	سوره نساء، آیه ۱۲۵
	توحید- نبوت	عدم پرستش آیین‌های مختلف- پیامبری وی	سوره انعام، آیه ۷۴-۹۰
	توحید	حق‌گرایی حضرت ابراهیم	سوره انعام، آیه ۱۶۱
	معاد	مژده فرزند- عذاب قوم	سوره هود، آیه ۶۹-۷۶
	هدایتی	دعاهای مادی و تربیتی حضرت ابراهیم	سوره ابراهیم، آیه ۳۵-۴۱
	توحید	حق‌گرایی و هدایت وی	سوره نحل، آیه ۱۲۰-۱۲۲
	توحید	عدم بت‌پرستی و دعوت به توحید	سوره مریم، آیه ۴۱-۵۰
	توحید-نبوت	مبارزه با طاغوت و شرک و نبوت	سوره انبیاء، آیه ۵۱-۷۳
	هدایتی	حجج	سوره حج، آیه ۲۶-۳۰
	توحید-معاد	عدم شرک- توحید- معاد	سوره شعراء، آیه ۶۹-۸۹
	معاد	علم خداوند- عذاب	سوره عنکبوت، آیه ۲۶ - ۳۱ و ۳۲
	نبوت	نبوت	سوره احزاب، آیه ۷
	توحید	بت‌پرستی- لطف خدا-آزمایش ابراهیم	سوره صافات، آیه ۸۳-۱۱۱
	نبوت	نبوت	سوره ص، آیه ۴۵-۴۶
	نبوت	واحد بودن دین همه پیامبران	سوره شوری، آیه ۱۳
	توحید	توحید	سوره زخرف، آیه ۲۸
	معاد	مژده فرزند- عذاب قوم- علم خداوند	سوره ذاریات، آیه ۲۴ تا ۳۷
	توحید	وفای به عهد ابراهیم	سوره نجم، آیه ۳۷
		نبوت	نبوت
	توحید	بت‌پرستی و بخشش خداوند	سوره ممتحنه، آیه ۴
	معاد	معاد	سوره اعلی، آیه ۱۸-۱۹
داستان حضرت لوط در قرآن			
آنچه در داستان حضرت لوط <small>عليه السلام</small> مشهود است زشتی و قبیح عمل قوم وی است که درباره‌های متفاوت تکرار شده است. ولی	هدایتی	عمل قوم لوط	سوره اعراف آیات ۸۰-۸۴
	هدایتی	عمل قوم لوط و عذاب	سوره هود آیات ۷۷-۸۳
	هدایتی	عمل قوم لوط و عذاب	سوره حجر آیات ۶۱-۷۴
	نبوت	نبوت لوط و عمل قوم	سوره انبیاء آیات ۷۴-۷۵
	نبوت- هدایت	نبوت لوط و عمل قوم لوط و	سوره شعرا آیات ۱۶۰ -

ایدئولوژی حاکم همان هدایت انسان می‌باشد.		عذاب	۱۷۴
	هدایتی	عمل قوم لوط و عذاب	سوره نمل آیات ۵۴-۵۸
	نبوت- هدایت	نبوت لوط و عمل قوم لوط و عذاب	سوره عنکبوت ۲۸-۳۵
	نبوت- هدایت	نبوت لوط و عمل قوم لوط و عذاب	سوره صافات آیات ۱۲۳-۱۳۸
	نبوت- هدایت	نبوت لوط و ابراهیم- عمل قوم لوط و عذاب	سوره ذاریات آیات ۳۱-۳۷
	نبوت- هدایت	نبوت لوط و عمل قوم لوط و عذاب	سوره قمر آیات ۳۳-۴۰

داستان در عهد عتیق به صورت نوشتار پیوسته از ابتدای فصل ۱۱ شروع و تا انتهای فصل ۲۵ ادامه می‌یابد (پاوسن، بی‌تا، ص ۹۴؛ مسترهاکس، ۱۳۸۳، ص ۴)، این داستان دارای اهداف معین در هر فصل می‌باشد که خط سیر همگی آنها به سوی هدف خاص و گسسته از هم می‌باشد؛ جدول ذیل این موضوع را بهتر نشان می‌دهد:

جدول ۳: داستان حضرت ابراهیم و لوط علیه السلام در عهد عتیق

داستان حضرت ابراهیم و لوط <small>علیه السلام</small> در عهد عتیق				
نام فصل	موضوع	سیرکلی داستان	ایدئولوژی حاکم بر داستان	ایدئولوژی کلی حاکم بر داستان
پیدایش ۱۱	نسل ابرام	بیان شجره‌نامه ابرام	اهمیت نسب	بیان انساب و شجره ابراهیم <small>علیه السلام</small>
پیدایش ۱۲	دعوت خداوند از ابرام	خروج ابرام از سرزمین خویش	آغاز نبوت ابرام	
پیدایش ۱۳	جدایی ابرام از لوط	سفر ابرام به حبرون و لوط به اردن	فرمانبرداری از دستور خداوند	
پیدایش ۱۴	آزادی لوط	بیان جنگ پادشاهان و رهایی لوط	بیان تاریخ	
پیدایش ۱۵	پیمان خداوند با ابرام	افزایش نسل ابرام	نبوت ابرام	
پیدایش ۱۶	فرزندآوری هاجر		تحقیر هاجر و اسماعیل	
پیدایش ۱۷	تغییر اسم ابرام به ابراهام ختنه نشانه پیمان	نبوت ابراهام و افزایش نسل وی	افزایش نسل ابراهام و ساری توسط اسحاق	
پیدایش ۱۸	وعده اسحاق به ابراهام شفاعت ابراهام برای سدوم	تولد اسحاق در پیری ابراهام و ساری عذاب قوم سدوم	بیان اهمیت اسحاق	
پیدایش ۱۹	گنهکاری قوم لوط	عذاب قوم سدوم	بیان اهمیت نسل	

پیدایش ۲۰	گرفتن زن ابراهام توسط پادشاه جرار	داستان ابراهیم در جرار	بیان نسل ابراهیم
پیدایش ۲۱	تولد اسحاق - مهاجرت هاجر با اسماعیل - پیمان ابراهیم با پادشاه		بیان نسل ابراهیم
پیدایش ۲۲	قربانی کردن اسحاق	عظمت اسحاق	عظمت یافتن نسل ابراهیم از اسحاق
پیدایش ۲۳	فوت سارا	راستی ابراهیم	نبوت ابراهیم
پیدایش ۲۴	ازدواج اسحاق	ازدواج اسحاق	بیان عظمت اسحاق
پیدایش ۲۵	فرزندان ابراهیم - فوت ابراهیم فرزندان اسماعیل - فرزندان اسحاق	نسب ابراهیم	بیان نسل ابراهیم

جدول ذیل نشان دهنده اشتراکات و افتراقات داستان در دو کتاب مقدس می باشد:

روایت قرآن	روایت عهدعتیق
پدر ابراهیم بت می پرستید (انبیاء/۵۲).	پدر ابراهیم خدایان غیر را عبادت می کرد (یوشع ۲/۲۴)
ابراهیم پدرش را از پرستش بتها نهی می کند (انبیاء/۵۱-۵۶)	_____
خداوند ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان می دهد تا از یقین کنندگان باشد. و ابراهیم در طی یک شبانه روز به شکل نمادین ستارگان، ماه و خورشید را خدا می خواند، و آنگاه پاکدلانه به خداوند رو می کند (انعام/۷۵-۷۹).	ابراهیم ابتدا ستارگان و پس از آن ماه و خورشید را خدا می خواند، اما خیلی زود درمی یابد که پروردگاری فراتر از هر چیز وجود دارد (Midrash Hagodol p ۱۸۹ نقل از ماسون، ۱۳۸۵:۴۴۰ و یزدان پرست، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۴).
ابراهیم بتها را می شکند جز بت بزرگ و چون می پرسند می گوید: بت بزرگ بتهای دیگر را شکسته است. پدرش او را به نمرود تسلیم می کند (Bereschit Rabba Par38 نقل از: ماسون، ۱۳۸۵:۴۳۸)	ابراهیم بتها را می شکند جز بت بزرگ و چون می پرسند، می گوید: بت بزرگ بتهای دیگر را شکسته است. پدرش او را به نمرود تسلیم می کند (Bereschit Rabba Par38 نقل از: ماسون، ۱۳۸۵:۴۳۸)
ابراهیم را در آتش می افکنند و آتش بر او سرد می شود. (انبیاء/۵۸-۶۳)	ابراهیم را در آتش می افکنند و آتش بر او سرد می شود (تلمود، پساحیم: ۱۱۸ الف، ۲۱)
مهاجرت ابراهیم به همراه لوط که به او ایمان آورده بود. (انبیاء/۷۱؛ صافات/۹۹)	هجرت ابراهیم و لوط به فرمان خداوند (پید ۱۲: ۱-۴).
خداوند بشارت تولد اسحاق و یعقوب را به ابراهیم می دهد (انبیاء/۷۲). خداوند بشارت فرزندی بردبار (اسماعیل) را به ابراهیم می دهد (صافات/۱۰۱)	خداوند به ابراهیم بشارت می دهد که از نسل او امتی عظیم پیدا خواهد شد (پید ۱۲: ۱).
ابراهیم با پادشاه دربارهی خداوند به بحث می پردازد و با قدرت خداوند در زنده کردن و میراندن و	ابراهیم در ایام قحطی به مصر می کوچد (پید ۱۲-۱-۲۰)

	<p>طلوع و غروب خورشید او را منکوب می‌کند (بقره/۲۵۸)</p>
<p>شبانان لوط و ابراهیم به علت کمی چراگاه با یکدیگر می‌ستیزند و لوط از ابراهیم جدا شده در سدوم ساکن می‌شود. در جنگی میان ملوک سدوم و سرزمین‌های دیگر لوط اسیر می‌شود و ابراهیم او و اموالش را آزاد می‌کند (پیدایش: ۱۳ و ۱۴).</p>	
<p>ابراهیم از خداوند درخواست می‌کند که زنانه شدن مردگان را به او نشان دهد. و خداوند به او فرمان می‌دهد پرنده‌گانی را ریز ریز کند هر پاره را بر کوهی بنهد، آنگاه آنها را بخواند تا به سوی او بیایند (بقره/۲۶۰)</p>	
<p>ابراهیم به خواست ساره با کنیز او هاجر ازدواج می‌کند و خداوند به آنها اسماعیل را عطا می‌کند (پیدایش: ۱۶)</p>	
<p>سه مرد نزد ابراهیم می‌آیند و ابراهیم ایشان را نمی‌شناسد که از جانب خدایند. برای ایشان نانی فراهم می‌کند و می‌خورند. بعد از آن به او بشارت تولد اسحاق و نیز عذاب سدومیان را می‌دهند (پیدایش: ۱۸)</p>	<p>فرستادگان الهی نزد ابراهیم می‌آیند و او ایشان را نمی‌شناسد برای آنها غذایی فراهم می‌کند ولی آنها غذا می‌خورند و می‌گویند فرستادگانی از جانب خدایند که برای عذاب قوم لوط فرستاده شده‌اند و او را به تولد اسحاق و پس از او یعقوب بشارت می‌دهند (هود/۶۳-۷۹)</p>
<p>ابراهیم می‌کوشد تا مانع نازل شدن عذاب الهی بر شهر سدوم که لوط نیز در آن است، شود (پیدایش: ۱۸)</p>	<p>ابراهیم می‌کوشد مانع عازل شدن عذاب الهی بر قومی شود که لوط در میان ایشان است (هود/۷۴-۷۶)</p>
<p>دو فرشته به شهر سدوم وارد می‌شوند و لوط آنها را به خانه‌ی خود دعوت کرده، برای ایشان غذایی فراهم می‌آورد و می‌خورند مردم شهر قصد ایشان می‌کنند و لوط می‌کوشد مردم را از این کار باز دارد و حتی دو دختر خود را به مردم عرضه می‌کند اما بی‌ثمر است. مردم به لوط هجوم می‌آورند. فرشتگان لوط را از چنگ ایشان می‌رهانند و همه‌ی مردمی که بر در خانه لوط جمع شده‌اند به کوری دچار می‌کنند (پیدایش: ۱۹)</p>	<p>فرستادگان الهی به خانه‌ی لوط می‌شوند مردم قصد اینان می‌کنند. لوط می‌کوشد مردم را از این کار نیاز دارد حتی دختران خود را به مردم عرضه می‌کند اما ثمری ندارد. فرستادگان به لوط می‌گویند ما رسولان پروردگار توایم. دست آنان به تو نخواهد رسید (هود/۷۷-۸۱)</p> <p>چشم کسانی که قصد مهمانان لوط کرده بودند، کور می‌شود. (قمر/۳۷)</p>
<p>سحرگاهان پیش از آن که عذاب خداوند فرا رسد آن دو فرشته لوط و دو دختر و زنش را از شهر خارج می‌کنند و به ایشان می‌گویند که نباید به عقب نگاه کنند بر شهر سدوم و عموره گوگرد و آتش از آسمان می‌بارید. زن لوط به عقب نگریست و ستونی از نمک گردید، اما لوط و دو دخترش نجات یافتند. (پیدایش: ۱۹)</p>	<p>فرستادگان به لوط می‌گویند پاسی از شب گذشته خانواده ات را حرکت دهد. هیچ‌کس از شما به عقب نگاه نکند، مگر زنت که آنچه به ایشان رسید به او نیز خواهد رسید. وعده ایشان صبح است. صبح شهر زیور شد و سنگ پاره‌هایی از گل لایه لایه بر ایشان فرو ریخت. (هود/۸۱-۸۲)</p>
<p>اسحاق متولد می‌شود و خداوند به ابراهیم فرمان می‌دهد که مهاجرت و اسماعیل را از خانه دور کند و ابراهیم آن دو را به پایان بثر شیع می‌برد و آنها را می‌کند (پیدایش: ۱۹)</p>	<p>ابراهیم برای خانواده‌اش که آنها را در دره‌ای بی‌کشت، در کنار خانه‌ی محترم خداوند، رها می‌کنند، دعا می‌کند (ابراهیم/۳۵-۳۷)</p>

<p>ابراهیم در خواب می بیند که فرزندش را ذبح می کند و چون این خواب را با فرزند می گوید او تسلیم امر پروردگار می شود. اما چون ابراهیم مهیای امر می شود، و صورت پسر را بر زمین می زند تا وی را قربانی کند ندا می رسد که او را در ازای قربانی بزرگ رهنانیدیم. (صافات/۱۰۲-۱۰۷)</p>	<p>خداوند به ابراهیم فرمان می دهد اسحاق را قربانی کند، ابراهیم فرمان می برد اما چون مهیا می شود و کارد بر گلوی اسحاق می نهد خداوند قوچی می فرستد، تا قربانی کند. (پیدایش/۲۲)</p>
---	--

در یک جمع بندی کلی به نظر می رسد ایدئولوژی حاکم بر داستان قرآن هدایت انسان و ایدئولوژی حاکم بر داستان در عهد عتیق حول محور بیان انساب و نسل ابراهیم عليه السلام چرخش دارد.

۳. بررسی ساختار داستان

هالیدی برا تجزیه و تحلیل، واحد بند یا جمله وار را انتخاب می نماید، در این مقاله شیوهی تقسیم بندی آیات به بند وجود عنصر فعلی در جمله است، در بسیاری از آیات قرآن یا فصل های تورات چندین گروه فعلی وجود دارد، براین پایه هر فعل معیاری برای یک بند است، جملات اسمیه نیز که دارای رابطه مبتدا و خبر هستند در فرآیند رابطه ای بیان شده اند، در این قسمت بندهای داستان مورد نظر در تورات و قرآن انواع شرکت کننده و عناصر پیرامونی استخراج و تجزیه و تحلیل شده اند، که در این بخش، مجال ذکر تمامی آنها وجود ندارد؛ بنابراین، به ذکر تعدادی از آنها بسنده شد و در پایان تحلیل های مدنظر و نتایج به دست آمده در قالب نمودار ارائه شده اند.

جدول ۱: تحلیل بند با فرایند مادی

کتاب	شماره آیه	بند	فرآیند مادی	شرکت کننده ها	عناصر پیرامونی
قرآن	بقره/۱۲۴	وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ	ابتلی	ربه (کنشگر) ابراهیم (هدف)	اذ
تورات	پیدایش، ۹/۱۲	1. וַיִּבְרָא אֱלֹהִים אֱרֶצַח וַיִּבְרָא אֱדָמָה و ابراهیم از آنجا کوچ کرد.	7. אֵלָּא (رفتن)	2. אֱלֹהִים (کنشگر) 1. אֶרֶץ (هدف)	-
قرآن	هود/۶۹	وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَيِّنَاتِ فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند	جاءت	رسلنا (کنشگر)، بشری (هدف)	و لقد

טוּר	אַבְרָם (کنشگر)	לֵיל (رفتن)	<p>לֵיל אַבְרָם (מַחְצֵי הַלַּיְלָה) וְאַשְׁמֵי וְכָל- אַשְׁרָיָהוּ (טוּר) עַד הַבֹּקֶר و אַבְרָם בָּא מִמִּצְרָיִם דָּרַשׁ אֶת-לוֹט וְלֹט מֵאֵת אַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְלוֹט בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם.</p>	پیدایش، ۱/۱۳	تورات
------	-----------------	-------------	---	--------------	-------

جدول ۲: تحلیل بند با فرایند رفتاری

عناصر پیرامونی	شرکت کننده (رفتارگر)	فرآیند رفتاری	بند	شماره آیه	کتاب
ف	هو (مستتر)	نظر	فَتَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ	۸۸/صافات	قرآن
מֵאֲחֵרָיָהוּ (به عقب)	אֲשָׁמָה (زن)	לִמְבֹט (نگاه کردن)	וְלֹט בָּא מִמִּצְרָיִם דָּרַשׁ אֶת-לוֹט וְלֹט מֵאֵת אַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְלוֹט בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם.	۱۹/پیدایش ۲۶	تورات
ف	الذی- هو (مستتر)	بهت- کفر	فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ	۲۵۸/بقره	قرآن
-	ג (ضمیر)	לֶחֱמָה (گوش دادن)	וְלֹט בָּא מִמִּצְרָיִם דָּרַשׁ אֶת-לוֹט וְלֹט מֵאֵת אַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְלוֹט בְּמִצְרָיִם. וְאַבְרָם וְלוֹט בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם. בְּנֵי אַבְרָם בָּנִים יָלְדָה לְאַבְרָם בְּמִצְרָיִם.	۲۳/پیدایش ۶	تورات

جدول ۳: تحلیل بند با فرایند ذهنی

عناصر پیرامونی	شرکت کننده (حسگر)	فرآیند ذهنی	بند	شماره آیه	کتاب
أفلا	واو	تعقلون	أَفَلَا تَعْقِلُونَ	۶۷/انبیاء	قرآن
כִּי- הָרָה (پدیده)	ضمیر مستتر (היא)	הָרָה	וְהִרְאָה כִּי הָרָה و فهمید، (دید) که باردار است	پیدایش،	تورات
فلما	(دست) مهمانان	رأى	فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ	۶۹/هود	قرآن
לֵאשׁוֹ (پدیده)	יִצְחָק (יִסְחָק) (یسحاق)	אַהֲבָה (دوست داشتن)	וַיֵּאָהֱבֵם יִצְחָק אֶת-יְעֻשָׁבֵת אִשְׁתּוֹ. اسحاق عیسو را دوست می‌داشت.	پیدایش، ۲۸/۲۵	تورات

بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۳۳

جدول ۴: تحلیل بند با فرایند کلامی

کتاب	شماره آیه	بند	فرآیند کلامی	شرکت کننده‌ها	عناصر پیرامونی
قرآن	بقره/۱۲۴	قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.»	قال	گوینده (هومستتر (خداوند)) مخاطب (ابراهیم) گفته (اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا)	-
تورات	پیدایش ۱/۱۲،	וַיֹּאמֶר יְהוָה אֶל- אַבְרָם לֵךְ-לְךָ מֵאֵרָצְךָ וּמִמְדִּינַתְךָ וּמִבְּרִית אַבְרָם: خدایوند به ابرام فرمود (گفت): «وطن خود، بستگان و خانه پدری خود را ترک کن	וַיֹּאמֶר (گفت)	יהוה (خداوند: گوینده) אֶל-אַבְרָם (ابرام: مخاطب) לְךָ-לְךָ (ترک کن)	-
قرآن	انعام/۷۴	وَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لٰبِیْهٖ اَزْرٰءُ اَتَّخِذُ اَصْنٰمًا اِلٰهَةً	قال	ابراهیم (گوینده) ایه ازرا (مخاطب) أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً (گفته)	و اذ
تورات	پیدایش، ۱۴/۲۱	וַיֹּאמֶר מֶלֶךְ-סְדוֹם אֶל- אַבְרָם תְּהִי-לִי הַנְּפִשׁ וְהָרְכָשׁ קָדָה پادشاه سدوم به ابرام گفت: «افراد را به من بده و اموال را برای خود نگاه دار.»	וַיֹּאמֶר	מֶלֶךְ-סְדוֹם (پادشاه سدوم: گوینده) אֶל-אַבְרָם (ابرام: مخاطب) תְּהִי-לִי הַנְּפִשׁ וְהָרְכָשׁ קָדָה (گفته:)	-

جدول ۵: تحلیل بند با فرایند رابطه‌ای

کتاب	شماره آیه	بند	فرآیند رابطه‌ای	شرکت کننده‌ها	عناصر پیرامونی
قرآن	بقره/۲۶۰	رَبِّیْ الَّذِیْ یُحِیْی و َیَمِیْتُ	است	ربی (شناخته) یحیی و یمیت (شناسا)	-
تورات	پیدایش، ۲/۱۴	וּמֶלֶךְ בְּלַע הִיא-צֶעַר و پادشاه بلا صوعر است.	است	בְּלַע (شناخته) צֶעַר (صوعر) (شناسا)	-
قرآن	هود/۷۰	اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلٰی قَوْمِ لُوٓطٍ	است	نا (حامل) ارسلنا (مسند) قوم لوط (بهره‌ور)	-

تورات	پیدایش، ۲/۱۲	הַיְהוָה יָצַר נְפִישׁ אָדָם מִלֶּחֶם אֲדָמָה (خداوند:حامل) מִלֶּחֶם (زاییدن:مسند) בְּיָ (مرا: بهره‌ور)	יצר (بازداشت)	הַיְהוָה יָצַר נְפִישׁ אָדָם מִלֶּחֶם אֲדָמָה (خداوند مرا از زاییدن باز داشت).
-------	--------------	---	---------------	--

جدول ۶: تحلیل بند با فرایند وجودی

کتاب	شماره آیه	بند	فرآیند وجودی	شرکت کننده‌ها	عناصر موقعیتی
قرآن	شعراء/ ۱۷۴	مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ	کان	(هم) در اکثرهم	—
تورات	پیدایش، ۱۲/۱۶	וַהוָה יִהְיֶה לְפָנָי אֱדָם או انسانی وحشی خواهد بود.	יהיה (بود): قرآیند وجودی)	פָּנָי אֱדָם (انسان وحشی: موجود)	—
قرآن	ذاریات/ ۳۷	فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ	وجد	نا	—
تورات	پیدایش، ۶/۱۷	וּמַלְכֵי מִצְרָיִם ו پادشاهان از تو به وجود خواهند آمد.	יֵצְאוּ (وجود)	מַלְכֵי (پادشاهان: موجود)	—

در الگوی سیمپسون، شیوه اصلی برای شخصیت‌پردازی روایت، انتقال اعمال و وقایع است. این شیوه به روشی اشاره دارد که شخصیت از طریق فرایندهای معنایی و نقش‌های شرکت‌کنندگان در گفتمان روایت، معرفی می‌شود و بدین وسیله تحول و تکامل می‌یابد (تولان، ۱۳۹۳، ص ۷۴)؛ بنابراین به منظور بررسی شخصیت‌پردازی در داستان‌ها، تمام افعال موجود در متن هر داستان، استخراج و فرایندهای بکار رفته در آنها مشخص و انواع فرایندها، بر اساس تقسیم‌بندی هالییدی، گروه‌بندی شده است. درصد و بسامد وقوع انواع فرایندها که با بررسی تمامی افعال موجود در داستان‌های مذکور بدست آمده است، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبکی در نظر گرفته شده است. بررسی شخصیت‌پردازی این داستان، در قالب اعمال و وقایع نشان می‌دهد که فرایندهای مادی و رابطه ای و کلامی، بیش از سایر فرایندها در متن بکار رفته است. نتایج بررسی دقیق افعال و فرایندهای موجود در داستان، در جدول زیر آمده است:

جدول ۷: تعداد و درصد فرایندها در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم السلام در دو کتاب قرآن و عهد عتیق علیهم السلام

نوع فرآیند	قرآن	درصد	عهد قدیم	درصد
مادی	۲۷۰	۳۵٪	۶۴۰	۴۶٪
رابطه‌ای	۱۲۶	۱۶٪	۳۶۵	۲۶٪
کلامی	۱۳۵	۱۷٪	۱۷۹	۱۳٪
رفتاری	۶۱	۸٪	۶۲	۴٪
ذهنی	۱۳۶	۱۷٪	۱۰۴	۸٪
وجودی	۵۶	۷٪	۳۸	۳٪
مجموع	۷۸۴	۱۰۰	۱۳۸۸	۱۰۰

تحلیل بندها براساس نوع فرایند، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی نشان داد از میان فرایندهای موجود در فرآیندهای تجربی یعنی فرآیند مادی، ذهنی، کلامی، رابطه‌ای، رفتاری و وجودی، تمامی فرایندهای مذکور در داستان وجود دارند، فرآیند غالب و مورد انتظار در روایتی که سرنوشت پیامبران را بررسی می‌کند مادی است، در حقیقت بخش عمده داستان به بیان تجربه شخصیت‌های داستان در هر دو منبع مورد مطالعه می‌پردازد.

در قرآن فرآیند کلامی به دلیل گفتگویی بودن محتوای قرآن درصد بیشتری از این فرآیند در تورات را نشان می‌دهد که تفاوت دو کتاب در برخورد شخصیت‌ها و گفتگوی آنها را ظاهر می‌سازد.

نکته بسیار مهم در باب این فرآیند نقل قول مستقیم بعد از هر فعلی است که به این فرآیند اشاره دارد، ولی این نقل قول در تورات به صورت غیر مستقیم نیز دیده می‌شود. فرآیند ذهنی نیز در این داستان که نشان‌دهنده و دربردارنده افعال حسی یا واکنش‌های ذهنی و شناختی هستند در قرآن بیشتر از تورات می‌باشد، که این نکته را مشخص می‌کند که یک حقیقت به ادراک درآمده احساس شده و یا اندیشیده شده در داستان قرآن بیشتر است و این معنا را می‌رساند که مطالب قرآنی از واقعیت بیشتری نسبت به مطالب عهدی بر خوردار می‌باشند.

وجود تعداد بالای فرآیندهای رابطه‌ای در تورات نسبت به قرآن که فرآیندهای مربوط به شناسایی و توصیف هستند، این معنا را دارد که داستان تورات بیشتر بر محور توصیف و ملکیت و موقعیت گردش می‌کند ولی این نمود در قرآن بسیار کم است، نشان دادن

موقعیت افراد و مکان‌ها در تورات همچنین اصرار بر اهمیت نسب باعث این تفاوت می‌شود.

فرآیندهای رفتاری که مختص فعالیت‌های انسانی و خودجوش یا کنترل‌نشده‌ای هستند در قرآن در صد بالایی دارد، و این معنا نمود پیدا می‌کند که اعمال شخصیت‌ها در داستان قرآن بیشتر و در تورات بروز شخصیت کمتر است، همچنین وجود نقل قول مستقیم در قرآن و غیرمستقیم در عهد قدیم نیز این معنا را سبب شده است.

در صد فرآیند وجودی در قرآن بیشتر از تورات می‌باشد که موبد این معناست که قرآن بیشتر با [هست‌ها و وجودها] کار دارد، یعنی در قرآن بیشتر با آنچه که وجود دارد تصویرسازی می‌شود ولی در تورات این امر محدودتر است.

در مجموع فرآیندها داستان تورات مفصل‌تر و یکجا می‌باشد به همین دلیل تعدا بیشتری را شامل شده است، ولی این موضوع در قرآن به دلیل پراکندگی داستان در بین سوره‌های مختلف بسیار کمتر است، به نحوی که می‌توان گفت هدف تورات داستان‌گویی ولی هدف قرآن از آوردن آن در پس پرده اهداف دیگر نهفته است.

۴. نتیجه‌گیری

سیمپسون در کتاب سبک‌شناسی که در سال ۲۰۰۴ تالیف نمود، الگوی شش‌گانه‌ای را برای تحلیل روایت معرفی نمود، وی در بحث از شخصیت‌پردازی در داستان با اشاره به اعمال و وقایع صورت گرفته در داستان از نظام گذرایی هالیدی استفاده می‌کند، که در آن با بررسی هر بند و فعل آمده در آن فرایند بکار رفته مشخص می‌گردد، هالیدی براین اساس شش فرایند را معرفی می‌کند، این نوشتار که به بررسی و بحث درباره این شش فرایند در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم‌السلام در دو کتاب مقدس قرآن کریم و تورات همت کرده بود، با تحلیل بندهای آن داستان نتایج ذیل را بدست آورده است:

فرایند مادی در قرآن ۲۷۰ و در عهد عتیق ۶۴۰؛

فرایند رابطه‌ای ۱۲۶ و عهد عتیق ۳۶۵؛

فرایند کلامی در قرآن ۱۳۵ و عهد عتیق ۱۷۹؛

فرایند رفتاری در قرآن ۶۱ و عهد عتیق ۶۲؛

فرایند ذهنی در قرآن ۱۳۶ و عهد عتیق ۱۰۴؛

بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن ... (عیسی علیزاده منامن و دیگران) ۱۲۷

فرایند وجودی در قرآن ۵۶ و عهد عتیق ۳۸ می‌باشد.

مجموع فرایندها در قرآن ۴۷۸ و عهد عتیق ۱۳۸۸ می‌باشد.

نمود فراوانی فرایند مادی در یک داستان که به سرگذشت دو نبی می‌پردازد عادی بوده و از قاعده خارج نیست، فراوانی فرایند رابطه‌ای در تورات بدین دلیل است که تورات بیشتر به توصیف و شناسایی در اغلب امور پرداخته است.

فراوانی درصد بیشتر فرایند کلامی در قرآن نشان دهنده بیشتر بودن گفتگو و نقل قول مستقیم در آن بر خلاف تورات می‌باشد. فراوانی درصد فرایند رفتاری در قرآن نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد که نفوذ شخصیت‌ها و اعمال آنها در قرآن بیشتر است، فرایند ذهنی بروز احساسات و واکنش ذهنی است که این بیان در قرآن بیشتر و تصویرگری احساسی‌تر به قرآن می‌دهد؛ اما فرایند وجودی نیز در قرآن به دلیل اینکه اشاره قرآن به هست‌ها و واقعیت‌های موجود می‌باشد، و این نشان از زنده بودن و واقعی بودن قرآن را دارد که درست در برخلاف عهد عتیق می‌باشد که این شاخصه در آن در کمترین حد خود قرار دارد.

فراوانی کل فرایندها نشان می‌دهد که داستان در تورات مفصل و در قرآن موجزتر می‌باشد، همچنین یکجا بودن داستان در تورات نشان از ویژگی تاریخی آن را می‌دهد درحالی‌که داستان در قرآن در بین سوره‌های مختلف پخش شده است به نحوی که گویا هدف داستان در پس اهداف کلی‌تر دیگر می‌باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسیر

ابن عاشور، مؤسسه التاريخ العربی - لبنان - بیروت.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۲۰۰۳)، قصص الانبياء، دار و مكتبة الهلال - لبنان - بیروت.

پاوسن دیوید (بی‌تا)، رمزگشایی کتاب مقدس، ترجمه رامین بسطامی، بی‌جا، بی‌نا.

تولان مایکل (۱۳۹۳)، روایت‌شناسی، درآمدی زبان‌شناسی - انتقادی، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه

نعمتی، تهران: سمت، چاپ دوم. ط.

حکیم، محمدباقر (۱۳۷۴)، القصص القرآنی، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة - ایران - قم، چاپ: ۲.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، چاپ: ۲.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۳۰)، قصص الانبیاء علیهم السلام، مکتبه العلامه المجلسی - ایران - قم.
- ماسون، دنیز، (۱۳۸۵)، قرآن و کتاب مقدس، درونمایه‌های مشترک، ترجمه‌ی فاطمه سادات تهامی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی: تهران.
- مستر هاکس، (۱۳۸۳)، قاموس کتاب مقدس، تهران اساطیر، چاپ دوم.
- مستور مصطفی، (۱۳۸۷)، داستان کوتاه، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، عناصر داستان، تهران: سخن، چاپ نهم.
- یزدان پرست لاریجانی، حمید، (۱۳۸۴)، داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل، قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، انتشارات اطلاعات: تهران، چاپ دوم.

TANAKH, (۲۰۰۹) Varda Books, skokie, illinois, usa .

Asa Berger Arthur (۱۹۹۷), NARRATIVES in Popular Culture, Media, and Everyday Life, London, SAGE Publications.

Bereshit Raba: Midrash Rabbah, vol. I, ed. H. Freedman & M. Simon, London, 1961 .

M.A.K. Halliday and Christian Matthiessen (۲۰۰۴), An Introduction to Functional Grammar, New York: Oxford University.

Rimmon-Kenan Shlomith (۲۰۰۵), Narrative Fiction, London: Routledge, 2nd.

Simpson Paul, (۲۰۰۴) STYLISTICS A resource book for students, London: Routledge.

Thompson, Geoff (۲۰۱۴), Introducing functional grammar, 3rd, London: Routledge